

مطالعه تطبیقی قرآن و عهدین در مورد موجودات آسمانی

چکیده

بررسی تطبیقی موضوعات مختلف بین قرآن و عهدین یکی از مؤثرترین روش‌ها جهت پاسخگویی به شبهه اقتباس قرآن از عهدین بوده و از سوی دیگر، مرور اشارات علمی قرآن کریم که در رهگذر این بررسی‌های تطبیقی آشکار می‌شود، همواره برای محققین علمی در سرتاسر جهان جذاب بوده و هر انسان آزاداندیش را در خصوص منشأ این معجزات علمی به تفکر وامی‌دارد. در پژوهش حاضر، موضوع «موجودات آسمانی» در قرآن کریم و عهدین مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته و شباهت‌ها و تفاوت‌ها در ساختار و محتوای دو کتاب در این زمینه بیان شده است. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد برخی از مشخصاتی که برای فرشتگان در عهدین ذکر شده دارای مشابهت با قرآن بوده و در برخی موارد نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. برابری خداوند با فرشتگان در بسیاری از عبارات تورات، به چشم می‌خورد که آیات قرآن کریم از این تعابیر شرک‌آلود منزه می‌باشند. یکی از تفاوت‌های بنیادین قرآن و عهدین این است که برخلاف عهدین که در آن تنها به فرشتگان به عنوان موجودات آسمانی اشاره شده است، برخی آیات قرآن حاوی قرائنی است (دأبه) که خبر از وجود جنبدگانی با ماهیت مادی در آسمان‌ها می‌دهد. همچنین، بر اساس بررسی‌های لغوی و تفسیری و همچنین روایات ذیل تفسیر آیات مرتبط، تعابیری چون «من فی السماوات» و «العالمین» دلالت بر وجود جمعیت‌های عاقلی در عوالم دیگر دارد که هنوز علم بشر به مصادیق آن دست نیافته است.

کلید واژگان: قرآن و عهدین، موجودات زنده آسمانی، دأبه، من فی السماوات

۱- مقدمه

خداوند نازل کننده قرآن، تورات و انجیل است و هر کتاب مقدسی را در پی تکامل کتاب دیگر فرو فرستاده است. وجود شباهت و تفاوت میان قرآن و عهدین امری طبیعی بوده زیرا هر دو کتاب مقدس از یک منبع که ریشه در وحی الهی دارند نازل شده است. از این رو پژوهشگران و دانشمندان مسلمان مطالب علمی را که در سه کتاب مقدس مشترک هستند مورد پژوهش قرار می دهند. پژوهشگران معتقدند تفاوتها به منزله تکمیل و تکامل است؛ به عبارتی دیگر قرآن کامل کننده دو کتاب مقدس تورات و انجیل است. در مقابل برخی مستشرقان و پژوهشگران در چند دهه اخیر کوشیده اند تا با طرح شبهه اقتباس قرآن کریم از عهدین، منشأ وحیانی قرآن را به چالش کشیده و قداست سایر معارف آن را نیز متزلزل سازند. اما با مرور اشارات قرآن در موضوعات مختلف، در می یابیم که قرآن به عنوان آخرین کتاب نازل شده بر پیامبر (ص) در بردارنده مطالب جدید است که در کتابهای آسمانی قبلی به آنها اشاره نشده است و با پیشرفت بشر در علوم مختلف، جنبه های متعدد اعجاز علمی قرآن کریم بیش از پیش مکشوف گشته و مورد توجه محققین، مفسرین و اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفته است.

در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی دیدگاه قرآن و عهدین درخصوص موجودات آسمانی مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته تا مشخص گردد قرآن کریم و کتاب مقدس در خصوص این موضوع علمی چه دیدگاههایی دارند و دارای چه نقاط اشتراک و افتراقی هستند؟ و اگر دارای نقاط اشتراک هستند به چه کیفیتی است؟ سوال اصلی پژوهش این است که توصیف عهدین از موجودات آسمانی و نقش و کارکرد آنها در هستی تا چه میزان منطبق با آموزه های قرآن کریم و واقعیت هستی می باشد؟

البته ذکر این نکته ضروری است مفسران مسلمان در آیات مربوط نظرات خود را به صراحت اعلام کرده اند اما در خصوص عهدین بخصوص تورات وضع طور دیگری است. چنان که راب کهن در کتاب گنجینه تلمود می نویسد دانشمندان و احبار یهود از گذشته به دلیل علاقه نداشتن به تحقیق در علوم ماوراءالطبیعه، از بحث در این خصوص اجتناب کرده اند (کهن، ۱۳۵۰: ۵۲). این امر سبب شده تا تفاسیر کمی از علمای یهود در تبیین آیات مطرح شده در دسترس باشد.

موضوع وجود حیات در آسمان را فیلسوفانی چون آناکسیماندر و دموکریتوس (موریس، ۱۳۷۵)، اختر شناسانی از قبیل هرشل و برونو (نوری همدانی، حسین، ۱۳۷۸: ۱۶۷)، آیزاک آسیموف (آسیموف، ۱۳۶۱: ۶۷) و برخی

دانشمندان همچون ریچارد موریس و الکساندر ایوانوویچ (ایوانوویچ، ۱۳۵۱؛ موریس، ۱۳۷۵) مطرح نموده و به طور اختصاصی به این موضوع پرداخته اند.

در دایره المعارف جودائیکا مسئله موجودات زنده مقدس در تورات و ارتباط آنها با سیفروتها در آسمانها شرح داده شده است (Skolnik, ۲۰۰۷). همچنین در کتاب قاموس کتاب مقدس (هاکس، ۱۳۹۴)، تلمود (کهن، ۱۳۵۰) و کتاب رازهای خنوخ (توفیقی، حسین، ۱۳۹۴: ۲۳) توصیف موجودات زنده در آسمانها بیان شده است. از سوی دیگر، پژوهشگران اسلامی نیز اشارات قرآن کریم در این خصوص را مورد بررسی قرار داده و کتب مختلفی را به رشته تحریر در آورده اند که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

قرآن بر فراز اعصار (عبدالرزاق نوفل، ۱۳۵۹)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن کریم (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱) ساکنان آسمان از نظر قرآن (محمودی، ۱۳۸۱). همچنین، در دهه اخیر مقالات متعددی نیز در این خصوص نگاشته شده است؛ حسینی پس از معرفی ملائکه از دیدگاه عهدین، به بیان مصادیقی از چگونگی تدبیر ملائکه و نقش و جایگاه آنها در عهدین پرداخته است (حسینی، ۱۳۹۳). محققان خاستگاه ادعای تأیید فرشتگان را که از سوی مشرکان در زمان نزول قرآن مطرح شده را مورد بحث قرار داده و ریشه های این موضوع را در کتاب مقدس بررسی نموده است (محققان، ۱۴۰۰). رضایی اصفهانی و عرب موضوع وجود موجودات زنده و حیات در آسمانها را از نظر قرآن مورد بحث و واکاوی قرار دادند. (رضایی اصفهانی و عرب، ۱۳۸۹). مسترحمی و رضایی اصفهانی به بررسی نظرات مفسران قرآن کریم پیرامون موضوع موجودات هوشمند فرازمینی در قرآن پرداختند (رضایی اصفهانی و مسترحمی، ۱۳۹۱) سید کریم خوش بین خوش نظر در مقاله: «نقد اندیشه تثلیثی دینیز ماسون بر اساس آموزه های قرآن» به مسئله تأثیرپذیری قرآن از عهدین پرداخته است.

در این مقاله، در یک مطالعه تطبیقی، تفاوتها و اشتراکات موضوع موجودات آسمانی در قرآن و عهدین مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۲- بررسی موجودات آسمانی در قرآن کریم

آیات مورد اشاره در این قسمت به همراه بحث و بررسی مربوطه در دو دسته «جنبندگان آسمانی»، «موجودات هوشمند آسمانی» بیان می گردد.

۲-۱- جنبنندگان آسمانی

۲-۱-۱- آیات مرتبط

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ﴾ (شوری: ۲۹)؛ «و از نشانه‌های اوست آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنبنندگان در آن دو پراکنده کرده است؛ و او هر گاه بخواهد بر جمع‌آوری آنها تواناست».

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (نحل: ۴۹)؛ «آنچه از جنبنندگان در آسمان‌ها و آنچه در زمین‌اند و فرشتگان، تنها برای خدا سجده می‌کنند؛ در حالی که آن (فرشتگان) تکبر نمی‌ورزند».

۲-۱-۲- واژه شناسی

واژه «دابه» از ماده «دب» به معنای راه رفتن و حرکت روی زمین است. البته از راه رفتن معمولی آرام تر است این راه رفتن چنان آرام است که حواس آن را درک نمی‌کند و در فارسی «جنیدن» گفته می‌شود. این واژه بر مذکر و مونث اطلاق می‌شود و جمع آن «دواب» است و بیشتر در مورد حیواناتی به کار می‌رود که بر آن سوار می‌شوند. «دابه» در اصطلاح اسم جمع است که تمام جانداران را با هر نوع حرکتی در برمی‌گیرد و تمام انواع موجودات، از انسان و انعام و حشرات و پرندگان را شامل می‌شود؛ یعنی هر نوع ذی‌حیات با هر نوع حرکت (احمد بن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۲۶۳؛ جوهری، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۰۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۳، ۱۷۳).

طبق آیه ۴۵ سوره نور نیز «دابه» به موجود مادی و جسمانی گفته می‌شود؛ زیرا، دارای ویژگی‌های مادی چون خلقت از آب و حرکت بر دو پا و چهار پا یا خزیدن است. تعریف لغوی و اصطلاحی نیز، به طور ضمنی، مادی بودن «دابه» را تأیید می‌کند. از این‌رو، واژه «دابه» جنبنده غیرمادی مانند فرشته یا جن را در برنمی‌گیرد (مسترحمی، ۱۳۹۱).

۲-۱-۳- آراء مفسرین و دانشمندان در خصوص جنبنندگان آسمانی

تفاسیر متعدد، دو آیه مورد اشاره را دال بر وجود حیات در آسمان‌ها دانسته‌اند. صاحب تفسیر المیزان معتقد است این آیه دلالت دارد که در غیر کره زمین از کرات آسمانی نیز جنبندگانی هستند که در آنجا مسکن داشته و زندگی می‌کنند (طباطبائی، ۱۳۵۰: ج ۱۲، ۲۶۵). نویسنده «تفسیر نمونه» معتقد است موجودات زنده مخصوص

به کره زمین نیست، بلکه در کرات آسمانی نیز موجودات زنده‌ای وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۰، ۴۳۹-۴۳۶). زمخشری دلالت آیه ۴۹ سوره نحل بر وجود موجودات آسمانی که همچون انسان‌ها بر روی زمین راه می‌روند را به عنوان اولین احتمال در آیه بیان می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۶۰۹).

«فخررازی»، ذیل آیه ۲۹ سوری شوری معتقد است می‌توان «دأبه» را بر ملائکه حکم کرد و از سوی دیگر بعید نیست بگوییم خداوند در آسمان‌ها، انواعی از حیوانات را خلق کرد که مانند انسان روی زمین، آنها هم حرکت دارند و راه می‌روند (رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۷، ۵۹۹).

فیض کاشانی نیز به اینکه ماده «دب» بر حرکات جسمانی اطلاق می‌شود، تصریح دارد. وی اگرچه به دلالت آیه از وجود حیات فرازمینی تصریح نکرده است، ولی با بیان این نکته که ملائکه دارای مکان و حرکت جسمانی نیستند، به احتمال اشاره آیه به موجودات آسمانی، توجه نموده است (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ج ۱، ۶۵۰). نویسنده قاموس قرآن نیز از معاصرانی است که دلالت این آیات را بر وجود زیست فرازمینی قطعی می‌داند و ادامه آیه که می‌فرماید: «عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ» را اشاره به برقراری ارتباط بین اهل زمین و آنها می‌داند (صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵: ج ۱۶، ۳۶۸؛ قرشی، ۱۳۷۱: ج ۳، ۳۴۱). رضایی اصفهانی معتقد است آیه ۴۹ سوره نحل و آیه ۲۹ سوره شوری، هر دو صراحتاً بر وجود موجود زنده در آسمان‌ها دلالت دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱).

با توجه به توصیفات و ویژگی‌هایی که قرآن از دأبه ارائه می‌دهد، می‌توان دریافت که این واژه در زبان قرآن بر موجود مادی و جسمانی اطلاق می‌شود. خلقت از آب، حرکت بر دو یا چهار پا یا خزیدن از این ویژگی‌هاست. علاوه بر این، مفهوم لغوی ماده «دب» نیز، به‌طور ضمنی، مادی بودن «دأبه» را تأیید می‌کند. از این‌رو، واژه «دأبه» جنبه غیرمادی مانند فرشته یا جن را در بر نمی‌گیرد. عطف واژه ملائکه بر دأبه و مقابله بین آن دو در آیه ۴۹ سوره نحل نشان‌دهنده تفاوت آن دو است و این نکته، شاهد دیگری بر عدم صحت اطلاق لفظ دأبه بر فرشتگان است.

۴-۱-۲- جمع‌بندی موضوع جنبندگان آسمانی در قرآن کریم

با توجه به مجموع نظرات مفسرین و محققین در خصوص معنای «دأبه» و مادی بودن آن در آیات مختلف قرآن کریم و همچنین تمییز آن از ملائکه در آیه ۴۹ سوره نحل، می‌توان وجود جنبندگان فرازمینی (آسمانی) را از قرآن کریم نتیجه گرفت؛ هرچند علم بشر هنوز این موضوع را اثبات نکرده و این نکته یکی از اشارات علمی قرآن کریم بوده که می‌تواند مبنای تحقیقات علمی بشر جهت کشف این موجودات آسمانی قرار گیرد.

۲-۲- موجودات هوشمند آسمانی

استفاده از عبارت «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» به صورت متعدد در قرآن کریم و معنای لغوی کلمه «مَنْ» که اشاره به موجودات دارای شعور دارد و همچنین کلمه «عَالَمِينَ» که به وجود عوالم و جهان‌های متعدد اشاره می‌کند از جمله تعبیری هستند که به اعتقاد برخی مفسرین و محققین می‌تواند دلالت بر وجود موجودات هوشمند در آسمان‌ها داشته باشد. در ادامه آیات مرتبط با هردسته که به موجودات هوشمند در آسمان‌ها و یا قرائنی از مکان زندگی آن‌ها اشاره دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱- آیات مرتبط با موجودات هوشمند

عبارت «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» در سیزده آیه از قرآن کریم به کار رفته است (آل عمران: ۸۳؛ یونس: ۶۶؛ حج: ۱۸؛ نور: ۴۱؛ الرحمن: ۲۹؛ روم: ۲۶؛ زمر: ۶۸؛ نمل: ۶۵ و ۸۷؛ اسراء: ۵۵؛ رعد: ۱۵؛ مریم: ۹۳؛ انبیاء: ۱۹) برخی از آیات مورد اشاره عبارت‌اند از:

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾ (رعد: ۱۵) «و هر که در آسمان‌ها و زمین است - خواه و ناخواه - تنها برای خدا سجده می‌کنند».

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ (آل عمران: ۸۳) «و آیا غیر از دین خدا را می‌طلبند؟! درحالی که هر کس در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه تسلیم اوست؛ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوند».

۲-۲-۲- واژه شناسی کلمه «مَنْ» در حالت موصولی

اکثر کتب لغت مانند القاموس المحيط (فیروزآبادی، محمد بن یعقوب - مرعشی، محمد عبدالرحمن، ۱۴۲۰: ج ۴، ۱۸۰)، تاج العروس من جواهر القاموس (مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۳۰۶: ج ۱۸، ۵۵۰) و المحکم و المحيط الاعظم (ابن سیده، علی بن اسماعیل، نجار، محمد علی، و برکات، حسین - حقیان، فیصل، ۱۴۲۴: ج ۱۰، ۴۷۰) «مَنْ» را به معنی «الذی» دانسته و بحثی روی جاندار یا بی جان بودن و یا ذی شعور بودن یا نبودن موارد کاربرد آن نداشته‌اند.

راغب معتقد است مَنْ بمعنی - کسی یا کسی که - در مورد انسانها به کار می‌رود نه غیر انسان، مگر وقتی که جمع میان هر دو موجود باشد مثل: رأیت من فی الدار - دیدم که چه کسی یا چیزی در خانه هست، از انسان یا حیوان. و مگر وقتی که بطور مفصل در جمله‌ای بیاید که انسان هم در آن دخالت دارد، مثل: فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي

(خسروی حسینی، غلامرضا و راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴: ج ۳، ۲۵۶) قرشی در قاموس کاربرد موصولی برای کلمه «مَنْ» را اکثراً برای اولوالعقل دانسته هرچند در قرآن کریم مانند آیه ۴۵ سوره نور برای غیر اولوالعقل نیز به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۶، ۲۹۱)

۳-۲-۲- بررسی آراء مفسرین در خصوص عبارت «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ»

آنچه از آیاتی که تعبیر «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» را در خود دارند، فهمیده می‌شود این است که آنها موجوداتی مملوک خداوند (یونس: ۶۶؛ انبیاء: ۱۹)، مطیع (آل عمران: ۸۳)، ساجد (رعد: ۱۵؛ حج: ۱۸) و تسبیح‌گوی (نور: ۴۱) هستند که از غیب الهی بی‌اطلاع‌اند (نمل: ۶۵) و در آسمان‌ها وجود دارند که در قیامت به‌سوی خداوند بازگردانده می‌شوند. علامه طباطبایی ذیل آیه ۴۱ سوره نور، به استناد علم داشتن موجودات مذکور به تسبیح و صلاة، منظور از عبارت «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» را موجودات عاقل می‌داند.

برخی مفسران «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» را به ملائکه، ملائکه مقرب، ارواح، حور، غلمان و جنیان تفسیر نموده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۲۴۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ۴۳۷؛ طیب، ۱۳۷۸: ج ۷، ۳۱۹). برخی مفسران واژه «مَنْ» در این آیات را اشاره به موجودات زنده‌ای می‌داند که در آسمان‌ها زندگی می‌کنند. صاحب قاموس می‌نویسد: در این آیات دلالت بر افراد عاقل و ذی شعوری دارد و به‌خوبی روشن می‌کند که در آسمان‌ها مانند انسان، موجودات زنده و عاقل زندگی می‌کنند و به‌خداوند خاضع‌اند و حوائج خویش از او می‌خواهند (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۳، ۳۴۱). عبدالرزاق نوفل و عبدالغنی الخطیب، نیز از دیگر کسانی هستند که به این آیات بر وجود حیات و موجودات زنده در آسمان‌ها استدلال کرده‌اند (خطیب، ۱۳۸۱: ۲۳۰؛ عبدالرزاق نوفل، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

همچنین، علامه بحرانی ذیل تفسیر سوره حمد روایاتی نقل نموده که از وجود عوالمی دیگر خبر می‌دهند که در آن‌ها جمعیت‌هایی زندگی می‌کنند که از وجود انسان‌ها بی‌خبرند. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۱۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۴، ۳۴۸)

۴-۲-۲- آیات مرتبط با کلمه العالمین

این تعبیر ۷۴ بار در قرآن آمده است که برخی موارد آن به‌شرح ذیل است:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (حمد: ۲)

﴿قَالَ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْنِيَكُمْ إِلَهَا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف: ۱۴۰)

۵-۲-۲- واژه شناسی کلمه العالمین

واژه «العالمین» جمع عالم و از ریشه «علم» است و در اصل اسم چیزی است که به واسطه آن دانسته می شود و از آنجایی که عالم وسیله ای است که می توان از آن برای شناخت و علم به آفریننده آن و ویژگی های او بهره برد به آن عالم گفته می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۰؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۸، ۲۱۰). «عالمین» جمع عالم به معنای جهان و گیتی نیز آمده است و جمع آن با «ین»، اشاره به ذوی العقول یا اشاره به تمام مجموعه های این جهان، اعم از جاندار و بی جان است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۹۵؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۸، ۲۱۰). همچنین برخی آن را به معنی کل مخلوقات دانسته اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۴۲۰؛ ابن سیده، علی بن اسماعیل و دیگران، ۱۴۲۴: ج ۲، ۱۷۷)

قرشی عالم را به معنی همه مخلوقات دانسته و معتقد است جمع آن برای افاده کثرت است و گر نه احتیاج به جمع بستن نداشت و در عرف به هر یک از اصناف مخلوق عالم میگویند مثل عالم انسان، عالم نبات، عالم حیوان. خلاصه آنکه عالم بمعنی همه مخلوقات است. او اضافه می کند که لفظ «عالم» در قرآن بکار نرفته و فقط «عالمین» آمده، مراد از آن گاهی همه مخلوقات است مثل اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ (فاتحه: ۲)، چنانکه آمده وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَیْءٍ (انعام: ۱۶۴) و گاهی انسانهاست مثل وَ اَنِّیْ فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعَالَمِینَ (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۵، ۳۴-۳۵)

از نظر راغب «عالم» اسمی است برای فلک یا هر چه را که از جواهر و اعراض (اصول ثابت اشیاء و ظواهر متغیر آن) در آن قرار دارد. واژه «عالم» در اصل اسمی است برای آنچه که به وسیله آن نشان کرده می شود. لذا عالم و جهان، ابزار و آلتی است در دلالت بر ایجاد کننده و صانعش. جمع «عالم» این است که هر نوعی از این قبیل باشد «عالم» نامیده می شود، پس می گویند: عالم الإنسان و عالم الماء و عالم النار. و اما جمع سالم عالم (با - ون، ین) برای این است که همه مردم در مفهوم آن قرار دارند و انسان هر گاه دیگری را در لفظ با خود شرکت دهد حکمش بر آن غالب است (خسروی حسینی، غلامرضا و راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴: ج ۲، ۶۳۸)

۶-۲-۲- بررسی آراء مفسرین در خصوص عبارت «العالمین»

برخی مفسران مقصود از «عالمین» را عالم جن، عالم انسان، عالم آب و ... دانسته اند که هر کدام عالم مستقلی هستند و «عالمین» به مجموعه آنها اشاره دارد (خوئی، ۱۵: ۴۵۶). علامه طباطبایی در تفسیر «عالمین» عالمین را جمع عالم می داند؛ یعنی آنچه ممکن است که با آن علم یافت شود و شامل تمامی موجودات می شود، هم

تک تک موجودات و هم نوع نوع آنها (طباطبائی، ۱۳۵۰: ج ۱، ۳۴). تفسیر نمونه عالم را مجموعه‌ای از موجودات مختلف معرفی نموده که دارای صفات مشترک و یا زمان و مکان مشترک هستند و هنگامی که عالم، جمع بسته می شود اشاره به تمام مجموعه‌های این جهان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۳۰).

نویسنده تفسیر البرهان در تفسیر سوره حمد، روایات متعددی نقل نموده که از وجود جهان‌های متعدد سخن گفته‌اند؛ به عنوان نمونه از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: خداوند دوازده هزار عالم دارد که هر عالمی از آن، بزرگ‌تر از هفت آسمان و هفت زمین است. هیچ عالمی از آن عوالم نمی‌داند که خداوند غیر از آنها عوالمی دارد و من حجت بر همه آنها هستم (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۱۰۹). روایات دیگری نیز وجود دارد که از وجود شهرهایی در آسمان که ساکنان آن لغات متفاوتی دارند و از آفرینش آدم بی خبرند، خبر می‌دهند (بحرانی، ۱۴۱۶).

رضایی اصفهانی و مسترحمی در مقاله‌ای به روایت‌های نقل شده در تفسیر البرهان اشاره نموده و با این استدلال که آگاه نبودن آن عوالم از وجود عوالم دیگر، بر فرض وجود عقل و تفکر در آن مخلوقات، دارای معنا بوده و اینکه عبارت «إِنِّي الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ» مبنی بر حجت بودن امام (ع) برای آنان مستلزم وجود درک و شعور در آنان است، و همچنین برخی استدلال‌ات تفسیری و لغوی دیگر نتیجه گرفته‌اند که عبارت «العالمین» می‌تواند مؤیدی بر وجود حیات هوشمند در خارج از زمین باشد؛

۷-۲-۲- جمع‌بندی موضوع موجودات هوشمند آسمانی در قرآن

بر اساس بررسی‌های لغوی و تفسیری و مرور روایات مرتبط با عبارت «من فی السماوات» و همچنین کلمه «العالمین»، اگرچه استفاده از اسم موصول «مَنْ» در قرآن محدود به ذوی العقول نبوده و در مواردی نیز در غیر ذوی العقول نیز به کار رفته است، اما قرائن موجود در آیات نشان می‌دهد منظور از عبارت «من فی السماوات» موجودات عاقل در آسمان‌ها هستند. از سوی دیگر بخشی از آیات و روایات و تفاسیر مختلف مقصود از ساکنان عاقل در آسمان‌ها را فرشتگان و جنیان دانسته‌اند.

از سوی دیگر، روایات متعددی ذیل آیات مرتبط با کلمه «العالمین» ذکر شده که اشاره به وجود عوالم متعدد داشته و تصریح به وجود جمعیت‌هایی در عوالم دیگر می‌کند. قرائن موجود در این روایات از قبیل حجیت امام معصوم (ع) بر همه آن جمعیت‌ها، زبان متفاوت آن‌ها و بی‌خبر بودن آن‌ها از آفرینش آدم حاکی از با شعور بودن آن‌هاست.

لذا با توجه به مجموع موارد فوق، به نظر می‌رسد که لزومی برای انحصار مصداق «مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» در فرشتگان و جنیان وجود ندارد و می‌توان آن را شامل موجودات هوشمندی دانست که در آسمان‌ها زندگی می‌کنند و ما از ماهیت آن‌ها اطلاعی نداریم. به عبارت دیگر، در خصوص ماهیت موجودات هوشمند آسمانی و تمیز آن‌ها از فرشتگان و جنیان نمی‌توان در حال حاضر به طور قطع سخن گفت.

۲-۳- ملائکه در قرآن

در قرآن کریم آیات بسیاری در مورد فرشتگان بیان شده است که عبارتند از:

(بقره/ ۲۸۵، انبیاء/ ۲۶ و ۲۷، حاقه/ ۱۷، نازعات/ ۵، اعراف/ ۳۷، انفطار/ ۱۰ تا ۱۳، انعام/ ۶۱، هود/ ۷۷، احزاب/ ۹، نحل/ ۲، بقره/ ۳۰ تا ۳۴، مریم/ ۱۷، هود/ ۶۹ و ۷۷، هود/ ۷۸، صافات، آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶، بقره/ ۹۷ و ۹۸، ۱۰۲، تحریم/ ۴، سجده/ ۱۱، ق/ ۱۸، مدثر/ ۳۱، قلم/ ۱).

۱-۲-۳- واژه شناسی

ملائکه جمع واژه «مَلَك» به معنای فرشته است. به اعتقاد برخی لغویون اصل واژه ملائکه از «مَالِك» است سپس لام را مقدم و همزه را مؤخر نمودند و واژه «مَلَاك» که از «أَلُوکَه» به معنی رسالت است پدید آمد، به دلیل کثرت استعمال همزه حذف و به واژه «مَلِك» تبدیل شده است (جوهری، ۱۴۰۴: ج ۴، ۱۶۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۷۷۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۲۵۶).

قرآن صفات، ویژگی‌ها، مأموریت‌ها و وظائف فرشتگان را در آیات متعددی بیان می‌کند طوری که ایمان به ملائکه را در ردیف ایمان به خدا و انبیاء و کتب آسمانی قرار داده است، و این دلیل بر اهمیت بنیادی این مسأله است: آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ (بقره/ ۲۸۵) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ۱۷۳).

امام سجاد (ع) در نیایش سوم از صحیفه سجاده بر حاملان عرش و فرشتگان مقرب الهی اشاره می‌کند که عبارتند از:

۱- اسرافیل که مسئول دمیدن در صور و اعلام قیامت و حرکت عمومی به سوی قیامت کبری است.

۲- میکائیل که واسطه روزی‌رسانی از مصدر عالم و خزائن الهی به خلق خداوند است.

۳- جبرائیل که واسطه وحی الهی و پیام خداوند به پیامبران و اولیاء خداوند است.

۴- عزرائیل که عامل قبض ارواح انسان‌ها و مرگ آنان است.

۲-۳-۲- ویژگی فرشتگان از نگاه قرآن

صاحب تفسیر نمونه ویژگی‌های فرشتگان را به شرح زیر برشمرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ۱۷۴):

- ۱- فرشتگان موجوداتی عاقل و با شعورند، و «بندگان گرامی خدا هستند» (بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ).
- ۲- «آنها سر بر فرمان خدا دارند و هرگز معصیت او نمی کنند» (لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ).
- ۳- گروهی حاملان عرش (حاقه / ۱۷) و گروهی مدبرات امرند (نازعات / ۵). برخی از فرشتگان قبض ارواحند (اعراف / ۳۷) و گروهی مراقبان اعمال بشرند (سوره افطار / ۱۰-۱۳). گروهی حافظان انسان از خطرات و حوادثند (انعام / ۶۱) و گروهی مأمور عذاب و مجازات اقوام سرکشند (هود / ۷۷). گروهی امدادگران الهی نسبت به مؤمنان در جنگها هستند (احزاب / ۹) و گروهی مبلغان وحی و آورندگان کتب آسمانی برای انبیاء (نحل / ۲).
- ۴- آنها پیوسته مشغول تسبیح و تقدیس خداوند هستند (وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ) (شوری / ۵) «فرشتگان تسبیح و حمد پروردگار خود را به جا می آورند، و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند».
- ۵- انسان به حسب استعداد تکامل، از فرشتگان برتر و والاتر است، تا آنجا که همه فرشتگان بدون استثناء، به خاطر آفرینش آدم به سجده افتادند، و آدم معلم آنها گشت (بقره / ۳۰-۳۴).
- ۶- آنها گاه به صورت انسان در می آیند، و بر انبیاء، و حتی غیر انبیاء ظاهر می شوند؛
 - «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم / ۱۷). (در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد).
 - به صورت انسانهایی بر ابراهیم و بر لوط ظاهر شدند «وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشَرِ قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ» (هود / ۶۹) (و محققا فرستادگان ما (فرشتگان آسمان) بر ابراهیم (خلیل) بشارت آورده و او را سلام گفته و او پاسخ سلام بداد).
 - «وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سَيِّئًا بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ» (هود / ۷۷) و چون فرستادگان ما (فرشتگان قهر) به لوط وارد شدند به آمدن آنان پریشان خاطر و دل‌تنگ شد و گفت: این روز بسیار سختی است.

- (وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ) (هود/۷۸) (و قوم لوط به قصد عمل زشتی که در آن سابقه داشتند به سرعت به درگاه او وارد شدند، لوط به آنها گفت: این دختران من (جنس زنان اتمم که به منزله دختران منند) برای شما پاکیزه و نیکوترند، از خدا بترسید و مرا نزد مهمانانم خوار و سرشکسته مکنید، آیا در میان شما یک مرد رشید نیست؟

۷- تعداد آنها به قدری زیاد است که به هیچ وجه قابل مقایسه با انسان نیست، نه غذا می خورند، نه آب می نوشند، و نه ازدواج دارند، نه خواب دارند، نه سستی و نه غفلت می رزند.

۸- آنها مقامات مختلف و مراتب متفاوت دارند، بعضی همیشه در رکوعند و بعضی همیشه در سجود «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» (صافات/۱۶۴). (هر یک از ما مقام معلومی دارد، ما همواره صف کشیده منتظر فرمان او هستیم و پیوسته تسبیح او می گوئیم).

۹- آنها نه خواب دارند نه سستی و غفلت

۱۰- آنها مقامات مختلف و مراتب متفاوت دارند، بعضی همیشه در رکوعند و بعضی همیشه در سجودند.

۳- موجودات زنده آسمانی در عهدین

۳-۱- مرور آیات مرتبط با موجودات زنده آسمانی در عهدین

در عهدین در موارد متعددی در کتب حزقیال، اشعیا، مزامیر، مکاشفه، انجیل لوقا و رساله دوم پطرس به موجودات آسمانی اشاره شده است:

- ﴿... در همان روز ناگهان آسمان باز شد و خدا رویاهایی را به من نشان داد. وقتی خداوند با من حرف زد نیروی او را در وجود خود احساس کردم. به بالا نگاه کردم و دیدم که توفانی از طرف شمال می آمد پیشاپیش آن ابر بزرگی حرکت می کرد و هاله ای از نور دور آن بود در بین آن یک شی برنزی روشن و تابان بود. در وسط ابر چهار موجود زنده را دیدم که به انسان شباهت داشتند. اما هر کدام از آنها دارای چهار صورت و چهار بال بود. پاهایشان راست و کف پایشان به سم گوساله شباهت داشت و مثل یک شی برنزی صیقلی و براق بودند. در زیر بالهای خود دستهایی داشتند شبیه دست انسان. در نوک بالهای آن چهار جانور با یکدیگر تماس داشت و بدون اینکه بچرخند مستقیماً پرواز می کردند. هریک از آنها چهار روی مختلف داشت در جلو چهره انسان در طرف راست شکل شیر در طرف چپ

شکل گاو و در عقب شکل عقاب . هر کدام دو جفت بال داشت یک جفت آن باز بود و نوک آنها با دو بال جانور پهلویش تماس داشت جفت دیگر بدنشان را می پوشاند . آنها مستقیماً حرکت می کردند و هر جایی که دلشان می خواست می رفتند بدون اینکه بچرخند. در بین این موجودات چیزی چون مشعلی فروزان بود که دایماً در حال حرکت بود آتش شعله ور می شد و از آن برق می جهید. این موجودات با سرعت برق جلو و عقب می رفتند. در همان حالی که متوجه آن چهار موجود زنده بودم چهار چرخ را بر زمین و پهلوی هریک از آن موجودات دیدم. چرخها همه یکسان و مثل زبرجد براق بودند در وسط هر چرخ یک چرخ دیگر قرار داشت. به این ترتیب به هر طرف که می خواستند می توانستند حرکت کنند بدون اینکه دور بزنند. حلقه دور چرخها بلند و مهیب و پر از چشم بود ﴿ حزقیال، ۱: ۱۸-۱۹﴾.

- ﴿روح خدا مرا فرا گرفت و دیدم که در آسمان تختی قرار داشت و بر روی آن تخت کسی نشسته بود. در چهار گوشه تخت چهار حیوان قرار داشتند که بدن آنها از هر طرف پر از چشم بود. حیوان اول مانند شیر بود دومی مانند گوساله سومی صورتی مانند صورت انسان داشت و چهارمی مانند عقابی پر گشوده بود. هریک از این چهار حیوان شش بال داشت و بدن آنها از هر طرف پر از چشم بود و شب و روز دایماً می گفتند قدوس قدوس قدوس خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و خواهد آمد. هروقت این حیوانات آن تخت نشین را که تا ابد زنده است تجلیل و تکریم و تمجید می کنند. آن بیست و چهار پیر در برابر تخت نشین که تا ابد زنده است سجده می کنند و او را می پرستند و تاجهای خود را در جلوی تخت او می اندازند و فریاد می زنند ﴿مکاشفه ۴: ۱-۱۰﴾.

- ﴿آنگاه می شنیدم که همه موجودات آسمان و زمین و زیر زمین و دریا و هرچه در آنهاست فریاد می کردند ستایش و عزت جلال و قدرت از آن کسی باد که بر تخت می نشیند و تا به ابد از آن بره باد! ﴿مکاشفه ۵: ۱۳﴾

- ﴿عیسی پاسخ داد من دیدم چطور شیطان مانند برق از آسمان سقوط کرد ﴿انجیل لوقا ۱۰: ۸﴾.

- ﴿کتاب خداوند را درباره موجودات زنده بجوید و بخوانید و ببینید که چه می گوید هیچ یک از این مخلوقات گم نخواهد شد و هیچ یک بدون جفت نخواهد بود این فرمان خداوند است او خودش آنها را جمع می کند ﴿اشعیا ۳۴: ۱۶﴾

- ﴿کیست که در آسمانها بتواند خود را با تو مقایسه کند؟ در میان موجودات آسمانی چه کسی مانند خداوند است؟﴾ (مزامیر ۸۹: ۶).

﴿مخصوصا آنانی که خود را به همه نوع شهوات زشت و ناپاک سپرده اند و هر قدرتی را خوار می شمارند این معلمین دروغین بی باک و خودبین هستند و هیچ حرمتی به موجودات آسمانی نشان نمی دهند و برعکس به آنان اهانت می نمایند. حتی فرشتگان که از این معلمین دروغین بسیار قویتر و تواناترند این موجودات آسمانی را در پیشگاه خداوند با بد زبانی متهم نمی سازند﴾ (رساله دوم پطرس ۲: ۱۰ و ۱۱).

- ﴿۶﴾ در برابر تخت، دریایی از بلور درخشان به چشم میخورد. چهار موجود زنده نیز در چهار گوشه تخت ایستاده بودند که در جلو و پشت سر خود، چشم داشتند. ﴿۷﴾ نخستین موجود زنده، به شکل شیر بود؛ دومی شبیه گاو، سومی به صورت انسان و چهارمی به شکل عقابی در حال پرواز بود. ﴿۸﴾ هر یک از این موجودات زنده، شش بال داشت، و میان بالهایش پر از چشم بود. ایشان شبانه روز، بدون وقفه نام خدا را ذکر نموده، می گفتند: «قدوس، قدوس، قدوس است خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می آید!» (مکاشفه، ۴: ۶-۸)

- ﴿۱﴾ همچنانکه محو تماشا بودم، «بره» نخستین مهر را گشود. ناگاه یکی از آن چهار موجود زنده، با صدایی همچون غرش رعد گفت: «بیا» ﴿۲﴾ نگاه کردم و اسبی سفید دیدم. سوار بر اسب، کسی را دیدم که کمانی در دست و تاجی بر سر داشت. او اسب را به جلو می راند تا در نبردهای بسیار، پیروز شود و فاتح جنگ باشد. ﴿۳﴾ سپس «بره» مهر دوم را باز کرد. آنگاه شنیدم که موجود زنده دوم گفت: «بیا» ﴿۴﴾ این بار اسبی سرخ پدیدار شد. به سوار آن شمشیری داده شده بود تا قادر باشد صلح و سلامتی را از زمین بردارد و بجای آن هرج و مرج ایجاد کند. در نتیجه، جنگ و خونریزی در همه جا آغاز شد. ﴿۵﴾ چون «بره» مهر سوم را گشود، شنیدم که موجود زنده سوم گفت: «بیا» آنگاه اسب سیاهی را دیدم که سوارش ترازویی در دست داشت. ﴿۶﴾ سپس از میان چهار موجود زنده، صدایی به گوش رسید که می گفت: «یک قرص نان گندم، یا یک کیلو آرد جو، به قیمت مزد روزانه یک کارگر باشد. اما به روغن زیتون و شراب آسیبی نرسان» ﴿۷﴾ چون «بره» مهر چهارم را گشود، صدای موجود زنده چهارم را شنیدم که گفت: «بیا!» ﴿۸﴾ ناگاه اسب رنگ پریده ای ظاهر شد که سوارش «مرگ» نام داشت. به دنبال او، اسب دیگری می آمد که نام سوارش «دنیای مردگان» بود. به آن دو، اختیار و قدرت

داده شد تا یک چهارم زمین را بوسیله جنگ، قحطی، بیماری و جانوران وحشی نابود کنند (مکاشفه،

۶: ۸-۱)

۲-۳- واژه‌شناسی «هایوت» و «کروبی»

هایوت، حیوط یا حیوط (חַיּוֹט) ^۱ به معنی موجودات زنده، گروهی از فرشتگان و موجودات بهشتی هستند که در رؤیای ارا به آسمانی حزقیال نبی (حزقیال: ۱ و ۱۰) از عهد عتیق، در اساطیر یهود توصیف شده و حمل کننده عرش خداوند و زمین هستند (Ludwig Blau & Kaufmann Kohler, n.d).

. در باب دهم آنان به عنوان کُروبی‌ها (כְּרֻבִּים) گروهی از فرشتگان مقرب که زیر عرش خداوند قرار دارند مشخص شده اند و از جانب خداوند فرستاده می شوند و همواره در حضورش حاضر می باشند (هاکس، ۱۳۹۴: ۷۴۳)

اولین اشاره به کُروبی‌ها در کتاب (پیدایش ۳: ۲۴) است. ریشه این واژه «کُروبی» برگرفته از لغت آشوری و بابلی «کُرابو» به معنی «قدرتمند» می باشد که در دین آشوریان به معنی «روح‌هایی که به خدایان خدمت می کنند و گاوهای دارای صورت انسان» هستند (Ludwig Blau & Kaufmann Kohler, n.d).

هر یک از کُروبیان حزقیال دارای چهار چهره است که یک مرد، یک شیر، یک گاو و یک عقاب است به صورت کلی کُروِب به صورت «یک شیر (یا گاو) با بال‌های عقاب و صورت انسان» نمایش داده می شود. کُروبیان حزقیال در توانایی حرکت خود نیازی به چرخش ندارند، چون آنها در مقابل تمام نقاط جهت قطب نما قرار می گیرند. در آیین یهودیت کُروبیان به عنوان فرشتگان کتاب مقدس ذکر شده اند و از آنها بسیار نام برده شده است. در مسیحیت چهار موجود زنده کُروبی هستند و «کُروِب» بالاترین رده فرشتگان است.

۳-۳- نظر مفسرین عهدین در خصوص هایوت و کُروبی

«بسیاری از مفسران یهود وجود موجوداتی برتر از انسان در علم و قدرت را تأیید کرده اند (کهن، ۱۳۵۰: ۶۹).

در کتاب رازهای خنوخ کُروبیان چنین توصیف شده اند:

«اینها رئیس فرشتگان هستند و مقامشان بالای دیگران است و حیات آسمانی و زمینی را اندازه گیری می کنند. ... میان آنها شش فونیکس و شش کُروبی وجود دارند و شش فرشته شش بال پیوسته به یک صدا و آواز سرودی را می سرایند. وصف کردن صدای آنان ممکن نیست؛ و آنان نزد خداوند و کنار کرسی او شادمانی می کنند.

¹ Hayyot, living creatures, living being

آن مردان مرا از آن جا به آسمان هفتم بالا بردند و من آن یک نور بسیار بزرگ و صفوف آتشین رؤسای بزرگ فرشتگان، نیروهای مجردات، قلمروها، نظامها، فرمانروایها، کروبیان و سرافیم، تختها و آنان که چشمهای فراوانی دارند، هنگهای نهگانه، منازل یوحنايي نور را مشاهده کردم؛ نزد خداوند و کنار کرسی او شادمانی می کنند» (توفیقی، حسین، ۱۳۹۴: ۲۲).

کابالا یکی از تعالیم یهودی و ابن میمون اندلسی در میشنه تورات خود هایوت را بعنوان اولین رده از فرشتگان توصیف کرده اند (Skolnik, ۲۰۰۷). در فرازهای تلمود که آسمان ها و ساکنان آن را توصیف می کند، از سرافیم، عنیم و هایوت و کروبیان نام برده شده است (کهن، ۱۳۵۰). مک دونالد کروبیان را مخلوقات الهی می داند که وظیفه شان «حفاظت از قدوسیت خدا در برابر غرور انسان سقوط کرده بود (مک دونالد، ۱۹۵۵).

مک آرتور در مقدمه تفسیر کتاب حزقیال نبی می نویسد: چهار حیوان (موجود زنده) چهار فرشته، که احتمالاً از کروبیان هستند به حالت ایستاده و شبیه انسان، خدای داور را خدمت می کنند. وی عدد چهار را اشاره ای به چهار گوشه جهان می داند و حاکی از این حقیقت است که فرشتگان خدا احکام و دستورات خدا را در سراسر این عالم خاکی اجرا می نمایند. وی همچنین چهار بال را به جای دو بال، نماد و تأکید بر شتاب در انجام اراده خدا، پای این موجودات را که مانند ستون راست و مستقیم هستند همانند نشانه قوت و قدرتمندی، ثبات و استحکام آنها، دستهای اینان را نماد مهارت و چیره دستی، روی ها را نمادی می داند که نشان می دهد این موجودات هوشمندند همچون «انسان»، قدرتمندند همچون «شیر»، خدمتگزارند مانند «گاو» و چابکند همانند «عقاب» (مک آرتور، ۲۰۲۰: ۱۱۲۹).

۴- فرشتگان در عهدین

۱-۴- واژه شناسی

پیام آور یا فرستاده معنی واژه عبری Malakh در عهدین می باشد. در زبان انگلیسی با واژه Angel به معنای فرشته بیان می گردد (لئون دوفور، ۱۹۷۳: ج ۲، ۳۸۳). کتاب مقدس در اکثر موارد فرشته را ملک خداوند می نامد در سفر پیدایش (۳۲: ۱-۶)، حجبی نبی (۱: ۳)، ملاکی نبی (۲: ۷) این واژه به عنوان عامل انسانی، در مزامیر (۴: ۱۰۴) کاربرد مجازی دارد. در سفر پیدایش (۶: ۲) و ایوب (۲: ۶) الوهیم (آلهه) (معمولاً خدا یا خدایان) خوانده می شوند و در بیشتر موارد بن الوهیم یا بن الیم یا به معنای عام «موجودات روحانی» نامیده می شوند، آنها همچنین به عنوان «موجودات مقدس» (ایوب ۵: ۱ و مزامیر ۸۹: ۸) خوانده می شوند (حسینی، ۱۳۹۳).

۲-۴- ویژگی فرشتگان از منظر عهدین

در کتاب مقدس از فرشتگان بسیار نام برده شده است. فرشتگان مقرب یا (Archangels) فرشتگانی هستند که از سایر فرشتگان، برتر و دارای درجه بالاتری هستند. از فرشتگان مقربی که در کتاب مقدس دین حضرت مسیح آمده Michael یا (مایکل)، Gabriel (گابریل)، Raphael (رافائیل) و آخرین فرشته مقرب مشهور Azrael یا (دوست شفیق) نوع انسان است (حسینی، ۱۳۹۳).

در عهدین در موارد متعددی به فرشتگان اشاره شده است. تمجید خداوند (مزامیر، ۲۹: ۱، مزامیر، ۸۹: ۷، تثنیه، ۳۲: ۸، مزامیر، ۸۰: ۲، مزامیر، ۹۹: ۱، اِشعیاء، ۶: ۲-۳). مرکب های خداوند و لشکریان آسمان (مزامیر، ۱۸: ۱۰، اول پادشاهان، ۲۲: ۱۹، مزامیر، ۱۴۸: ۲، نحمیا، ۹: ۶)، نگهبانی در گاه ملکوت الهی (تکوین، ۳: ۲۴). پیوند دهنده میان آسمان و زمین. (تکوین، ۲۸: ۱۲، آفرینش، ۱۶: ۷ و ۱۱: ۲)، (خروج، ۳: ۲)، (داوران، ۲: ۱)، (آفرینش، ۱۶: ۱۳)، (خروج، ۳: ۲)، (اول تیموتائوس ۶: ۱۶)، (خروج، ۳۳: ۲۰)، (متی، ۱: ۲۰ و ۲۴)، (متی، ۲: ۱۳ و ۱۹)، (لوقا، ۱: ۱۱) و (لوقا، ۲: ۹)، ساختن تابوت عهد (خروج، ۲۵: ۱۸-۱۹)، اغواء نمودن انبیاء (اول پادشاهان، ۲۲: ۱۹ الی ۲۲)، (اشعیاء، ۶: ۱ الی ۳)، اجرای عذاب (حزقیال، ۱۰: ۱-۲). (مزمور، ۷۸: ۴۹). (خروج، ۱۲: ۲۳) و (دوم سموئیل، ۲۴: ۱۷-۱۶) و (دوم پادشاهان، ۱۹: ۳۵). (ایوب، ۱: ۱۲-۶) و (ایوب، ۱۰: ۲-۱)، نگهبانی از انسانها (متی، ۱۸: ۱۰)، اعلام قیامت (متی، ۲۸: ۷۵)، (اعمال رسولان، ۱: ۱۱-۱)، (عبرانیان، ۱: ۱۴)، (متی، ۱۸: ۱۰)، اُعمال رسولان، ۱۲: ۱۵)، (لوقا، ۱۶: ۲۲)، (رؤیا، ۱۲: ۱-۹) برخی از این وظایف هستند (حسینی، ۱۳۹۳).

۵- نتیجه پژوهش

بررسی های انجام شده در این پژوهش نشان می دهد که اشارات قرآن و عهدین به موضوع موجودات آسمانی دارای شباهت ها و تفاوت هایی است. شباهت قرآن و عهدین از حیث موجودات آسمانی این است که هر دو کتاب آسمانی به وجود فرشتگان اشاره دارند و مشخصاتی را برای آن ها ذکر کرده اند. اینکه فرشتگان مخلوقات روحانی اند که قبل از انسان آفریده شده اند، همیشه رو به سوی خدا دارند و خداوند را ستایش می کنند، بال و پر دارند و در عالم بالا سیر می کنند، حمل کننده عرش خداوند هستند و همچنین اشاره به فرشتگان مقرب در گاه خدا جزو شباهت های میان قرآن و عهدین است. در مقابل، جزئیاتی از وظایف فرشتگان در عهدین در مقایسه با قرآن کریم ذکر شده که البته احتمال تحریف آن نیز وجود دارد. همچنین، برابری خداوند با فرشتگان در بسیاری از عبارات تورات، به چشم می خورد که آیات قرآن کریم از این تعبیر شرک آلود منزّه می باشند.

از سوی دیگر، یکی از تفاوت‌های بنیادین قرآن با عهدین، اشارات علمی قرآن به وجود جنبندگان آسمانی و موجودات هوشمند فرازمینی است. بررسی‌های انجام شده پیرامون عبارت «دَلْبَةُ» در این پژوهش حاکی از آن است که قرآن کریم به روشنی از وجود موجوداتی زنده غیر از ملائکه، در آسمان‌ها سخن می‌گوید. بنابراین، وجود جنبندگان آسمانی، مورد پذیرش قرآن است و این مطلب، به نوعی رازگویی قرآن در مورد حقیقتی است که در آینده به وقوع خواهد پیوست. همچنین مطالعات لغوی و تفسیری و مرور روایات مرتبط با کلمه «العالمین» و عبارت «من فی السموات» نشان‌دهنده وجود عوالمی غیر از انسان‌هاست و موجودات آسمانی دارای شعوری در آن عوالم زندگی می‌کنند که ماهیت آن‌ها هنوز برای بشر مشخص نیست و این اشاره قرآن می‌تواند مبنای تحقیقات علمی جهت کشف این موجودات هوشمند آسمانی در آینده باشد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب - مرعشلی، محمد عبدالرحمن. (۱۴۲۰). القاموس المحيط. دار إحياء التراث العربی. (ج ۱).
۲. محققان، زهرا. (۱۴۰۰). «فرشتگان مؤنث در قرآن و کتاب مقدس: چالش‌ها و مسائل مرتبط». علوم قرآن و حدیث، ۱۰۷(۵۳)، ۱۷۵-۱۹۸.
۳. مک دونالد، ویلیام. (۱۹۵۵). کتاب مقدس برای ایمانداران. توماس نلسون.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل؛ نجار، محمد علی؛ و برکات، حسین - حفیان، فیصل. (۱۴۲۴). المحکم و المحيط الأعظم. ویراسته‌ی سلیم، عبدالفتاح. المنظمة العربیة للتربية و الثقافة و العلوم. معهد المخطوطات العربیة. (ج ۱).
۵. ابن منظور. (۱۴۱۴). لسان العرب. دار بیروت.
۶. احمد بن فارس. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم - ایران: مکتب الاعلام الإسلامی، مرکز النشر.
۷. ایوانوویچ، آلکساندر. (۱۳۵۱). پیدایش و انتشار حیات در عالم. ترجمه‌ی فرهیخته نورالدین. دهخدا.
۸. آسیموف، ایزاک. (۱۳۶۱). اکتشافات قرن بیستم: سیارات. ترجمه‌ی علیرضا توکلی صابری. شرکت سهامی انتشار.
۹. بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. بنیاد بعثت.
۱۰. توفیقی، حسین (مترجم). (۱۳۹۴). رازهای خنوخ. سایت بیگانگان باستانی.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت - لبنان: دار العلم للملایین.
۱۲. حسینی، سید حسام الدین. (۱۳۹۳). نقش و جایگاه ملائکه تدبیرگر در عهدین، (۱۱).
۱۳. خسروی حسینی، غلامرضا؛ و راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن. مرتضوی. (ج ۱).
۱۴. خطیب، عبدالغنی. (۱۳۸۱). قرآن و علم/مروز. مؤسسه انتشارات عطائی.
۱۵. خوب‌بین خوش‌نظر، سید کریم، «نقد اندیشه تثلیثی دنیز ماسون بر اساس آموزه‌های قرآن»، دوفصلنامه قرآن‌پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)، دوره ۱۹، ش ۳۶، شهریور ۱۴۰۳.
۱۶. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۵). البیان فی تفسیر القرآن. مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی.
۱۷. رازی، فخرالدین محمد بن محمد. (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احياء التراث العربی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن. دار القلم.
۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن. قم: کتاب مبین.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ و عرب، مریم. (۱۳۸۹). «وجود موجودات زنده در آسمان‌ها».

- قرآن و علم، ۶(۱)، ۷۷-۱۱۰.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ و مسترحمی، سیدعیسی. (۱۳۹۱). «بررسی موجودات هوشمند فرا زمینی از منظر مفسران قرآن». مطالعات تفسیری، ۱۰(۳)، ۱۰۵-۱۲۴.
۲۲. زمخشری، جاراله محمود. (۱۴۰۷). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*. بیروت: دار الکتب العربی.
۲۳. صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. انتشارات فرهنگ اسلامی. (ج ۱).
۲۴. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۵۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. تهران: ناصر خسرو.
۲۶. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*.
۲۷. طیب، سید عبد الحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. انتشارات اسلام.
۲۸. علی بن حسین زین العابدین. (۱۳۸۶). *صحیفه سجادیه*. ترجمه ی گروه دین و معارف اسلامی. آستان قدس رضوی.
۲۹. فیض کاشانی. (۱۳۷۳). *الصادق فی تفسیر القرآن*. تهران - ایران: مکتبه الصدر.
۳۰. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، قم، ۱۳۷۳ ش.
۳۱. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران - ایران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. کهن، راب. (۱۳۵۰). *گنجینه ای از تلمود*. ترجمه ی امیرفریدون گرگانی. چاپخانه زیبا.
۳۳. لئون دوفور، گزاویه. (۱۹۷۳). *فرهنگ عهد جدید*. ترجمه ی کانون یوحنا ی رسول. انتشارات کانون یوحنا ی رسول.
۳۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۳۵. محمودی، عباسعلی. (۱۳۸۱). *ساکنان آسمان از نظر قرآن*. فیض کاشانی تربت.
۳۶. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۳۰۶). *تاج العروس من جواهر القاموس*. دار مکتبه الحیاء. (ج ۱).
۳۷. مسترحمی، سیدعیسی. (۱۳۹۱). «بررسی موجودات هوشمند فرا زمینی از منظر مفسران قرآن». مطالعات تفسیری، ۱۰(۳)، ۱۰۵-۱۲۴.
۳۸. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

۳۹. مک آرتور، جان. (۲۰۲۰). *تفسیر عهدعتیق*.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۱. موريس، ریچارد. (۱۳۷۵). *سرنوشت جهان*. ترجمه‌ی ابوالفضل حقیری. آسیا.
۴۲. نوری همدانی، حسین. (۱۳۷۸). *دانش عصر فضا*. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مرکز انتشارات. (ج ۱).
۴۳. نوفل، عبد الرزاق. (۱۳۹۳). *القرآن والعلم الحديث*. دار الکتب العربی.
۴۴. نوفل، عبد الرزاق. (۱۳۵۹). *قرآن بر فراز اعصار*. ترجمه‌ی ابوالفضل بهرام پور. نهضت.
۴۵. هاکس، جیمز. (۱۳۹۴). *قاموس کتاب مقدس*. اساطیر. (نشر اثر اصلی ۱۳۷۷)
۴۶. Ludwig Blau; & Kaufmann Kohler. (n.d.). ANGELOLOGY. In JewishEncyclopedia.
۴۷. Skolnik, Fred. (۲۰۰۷). Encyclopaedia Judaica. New York: Macmillan.
- ۴۸.
۴۹. Ludwig Blau; & Kaufmann Kohler. (n.d.). ANGELOLOGY. In JewishEncyclopedia.
۵۰. Skolnik, Fred. (۲۰۰۷). Encyclopaedia Judaica. New York: Macmillan.